

**Abstract**

Today, the right to clean air is relatively recognized and guaranteed in foreign public law in the form of judicial procedures. This recognition is due to the normative evolution of this right in foreign public law. The feedback of international authorities in this regard also suggests different views and it seems that the judicial procedure has gone beyond the approved laws in this regard; Hence, a review of international jurisprudence also shows that the right to clean air has a long way to go to be recognized as one of the examples of the third generation of human rights, because the third generation of human rights, both in terms of principles and The judicial method of pursuing the demands of individuals before the public faces serious challenges. The present research, with a descriptive-analytical method, seeks to achieve the importance of protecting the lives of citizens and protecting the environment, so that the public rights of the people are also protected

## جایگاه حق بر هوای پاک در رویه ی قضایی بین المللی

احمد عسگری ارجنکی<sup>1</sup>علی مشهدی<sup>2</sup>علیرضا آرش پور<sup>3</sup>

تاریخ دریافت : 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

## چکیده

امروزه حق بر هوای پاک در حقوق عمومی خارجی در قالب رویه های قضایی به صورت نسبی شناسایی و تضمین شده است. این شناسایی مرهون تحول هنجاری این حق در حقوق عمومی خارجی است. باز خورد مراجع بین المللی نیز در این راستا نگرش های متفاوتی را به اذهان متبادر می نماید و به نظر می رسد رویه ی قضایی پا را فراتر از قوانین مصوب در این خصوص گذارده؛ از این رو بررسی رویه ی قضایی بین المللی نیز نشان می دهد که حق بر هوای پاک برای شناخته شدن به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر راه درازی در پیش دارد، چرا که نسل سوم حقوق بشر هم به لحاظ مبانی و هم به لحاظ شیوه ی قضایی پیگیری مطالبات افراد در مقابل عموم، با چالش های جدی مواجه می باشد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی در صدد است که در جهت حمایت از جان شهروندان و حفظ محیط زیست به این مهم دست پیدا کند که حق عامه مردم هم حفظ شود

**واژگان کلیدی:** آلودگی هوا؛ حق بر هوای پاک؛ حق بر محیط زیست سالم؛ مراجع بین المللی؛ رویه ی قضایی؛ حقوق عامه

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

<sup>2</sup> استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران و گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه قم،

ایران

<sup>3</sup> دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

ضعف دادگاه های داخلی در رسیدگی به جرایم زیست محیطی به ویژه از منظر بین المللی، مبین این است که نهادهای قضایی بین المللی به پاسخگویی به نگرانی های زیست محیطی فراملی ملزم اند. هرگاه دادگاه های داخلی به دلیل فرا سرزمینی بودن دعاوی یا به دلیل فقدان صلاحیت ملی، نتوانند دعاوی مزبور را بپذیرند، تنها راه چاره، رجوع به محاکم بین المللی است. وانگهی، دادگاه های بین المللی از موقعیت مناسب تری برای نظارت و حمایت از تکوین حقوق بین المللی زیست محیطی، هم چون حق اطلاع از فعالیت های آلاینده ی دولت هم جوار برخوردارند. همچنین یک محکمه ی بین المللی می تواند بر فعالیت های مضر یک ملت نسبت به محیط زیست سایر ملت ها یا کل مردم جهان، نظارت داشته باشد. افزون بر این، نظارت قضایی بین المللی می تواند جبران کننده ی ضعف عملکرد ملی از ناحیه ی ملت هایی باشد که حاکمیت قانون<sup>1</sup> در آن ها حکم فرما نیست.

نهادهای قضایی بین المللی که مسئولیت زیست محیطی<sup>2</sup> دارند، باید بتوانند مفهوم و وضعیت تکامل دکترین های بین المللی زیست محیطی هم چون اصل اقدام احتیاطی<sup>3</sup> را شفاف سازند. این نهادها باید بتوانند افزون بر ایجاد اصول جدید، مشروعیت قواعد حقوق بین الملل عرفی و قواعد مسلم زیست محیطی را نیز تبیین کنند.

با رشد روز افزون مسائل زیست محیطی و گسترش فعالیت های مختلف در این عرصه، اختلافات بسیاری در این زمینه بروز کرده است؛ به گونه ای که نظام قضایی موجود، چه در عرصه ی داخلی و چه در عرصه ی بین المللی، نمی تواند پاسخگوی آن باشد. عمده ترین دلیل اقامه شده، تخصصی بودن مسائل و موضوعات زیست محیطی است. از این رو، محاکم بین المللی موجود چنان تخصصی ندارند که بتوانند به طور موثر به حل و فصل این اختلافات بپردازند.

برخی از محاکم قضایی بین المللی موجود، همچون دیوان بین المللی دادگستری و دادگاه بین المللی حقوق دریاهای، به بخشی از جنبه های اختلافات زیست محیطی پرداخته اند. با این حال، این اختلافات چنان گستردگی و پیچیدگی دارد که ساختار و اهداف محاکم مزبور، اجازه ی رسیدگی موثر و کامل به آن ها را نمی دهد؛ چرا که این محاکم در بسیاری موارد، از اعمال صلاحیت خود برای رسیدگی به مسائل زیست محیطی خودداری می کنند و یا تنها به جنبه های خاصی از این اختلافات می پردازند. بنابرین بهترین راه حل پیشنهادی برای حل و فصل اختلافات مذکور، تاسیس یک دیوان بین المللی است که فقط صلاحیت رسیدگی به اختلافات زیست محیطی را داشته باشد؛ بدین ترتیب، امید می رود با ایجاد چنین محکمه ای که می تواند دیوان بین الملل زیست محیطی نام گیرد و با استفاده از قضات متخصص و آموزش دیده در مسائل زیست محیطی، اختلافات مطرح شده در این عرصه به نحو موثر و دقیق حل و فصل شود و در حقیقت رشد روز افزون دیوان ها و دادگاه های بین المللی کنونی و افزایش توسل به آرای الزام آور شخص ثالث در حل و فصل اختلافات بین المللی، نه باعث توسعه ی قابل ملاحظه ی حقوق بین الملل محیط زیست شده است و نه وضعیت اداره ی محیط زیست بین المللی را بهبود بخشیده است. جامعه ی بین المللی برای پیشگیری از زوال

<sup>1</sup> تفوق قانون، قانونیت، قانون گرایی.

<sup>2</sup> Responsabilite' environnementale.

<sup>3</sup> Precautionary principle.

بیشتر منابع طبیعی و نیل به عدالت در عرصه ی محیط زیست باید گزینه های موجود را برای بهبود سیستم قضایی بین المللی مورد بازنگری قرار دهد.

در حقیقت هر چند هیچ محکمه ی بین المللی مختص به مسائل زیست محیطی وجود ندارد، اما نهادهای بین المللی قضایی وجود دارد که کم و بیش به حل و فصل اختلافات بین المللی زیست محیطی می پردازند. در ادامه نگارنده بر این نظر است که با بررسی مراجع بین المللی و تحلیل پرونده های موردی در این مراجع جایگاه حق بر هوای پاک را در رویه ی قضایی بین المللی مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

#### دیوان آفریقایی حقوق بشر

کمیسیون آفریقا، تنها نهاد منطقه ای بین المللی فعال برای «اشاعه» و «حمایت» از حقوق و «تفسیر» مفاد منشور آفریقایی حقوق بشر در قاره ی آفریقا است. در پاسخ به ناتوانی کمیسیون آفریقا برای متوقف ساختن نقضهای گسترده و سازمان یافته ی حقوق بشر در این قاره (Udombana, 2000:4)، سازمان وحدت آفریقا- اتحادیه ی آفریقای فعلی<sup>1</sup> در ماه ژوئن 1998 میلادی پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر را در خصوص تاسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم به تصویب رساند.<sup>2</sup>

پروتکل موسس این دیوان، هنوز لازم الاجرا نشده است؛ زیرا فاقد اسناد تصویب لازم است.<sup>3</sup> این دیوان، افزون بر کلیه ی اسناد حقوق بشر تصویب شده از سوی اعضا، بر همه ی قضایای مربوط به تفسیر و اجرای منشور آفریقا صلاحیت دارد. دولت ها، سازمان های بین المللی، سازمان های غیر دولتی و اشخاص، حق رجوع به دیوان دارند و می توانند علیه هر دولتی اقامه ی دعوا کنند. با این حال حق رجوع به این دیوان برای سازمان های غیر دولتی و اشخاص به موارد ضرورت، خطرناک یا موارد مرتبط با نقض شدید حقوق بشر محدود شده است.

امکان ارزیابی کار این دیوان به دلیل فقدان رویه ی قضایی وجود ندارد، اما در آینده، ایجاد یک رویه ی قضایی برای این دیوان بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا این دیوان، منشور آفریقایی حقوق بشر را اعمال می کند؛ منشوری که به صراحت، حق بشر بر محیط زیستی رضایت بخش را به رسمیت شناخته است. (Yemi, 2002: 159)

شایان توجه است که این کمیسیون در یکی از شکایات مطرح نزد تحت عنوان شکایتی از طرف مرکز عمل حقوق اقتصادی و اجتماعی مرکز حقوق اقتصادی و اجتماعی علیه کشور نیجریه در سال 2001 مواردی از نقض حق بر هوای پاک را احراز و شناسایی نموده است (نصر، 1394: 97)

#### دیوان بین المللی دادگستری

<sup>1</sup> AU.

<sup>2</sup> این دیوان توسط پروتکل راجع به تاسیس یک دیوان حقوق بشری ایجاد شد. ک: <http://achpr.org>

<sup>3</sup> این پروتکل قبل از این که دیوان تاسیس شود، نیاز به تصویب 15 سند دارد (بند 4 ماده ی 34).

دیوان بین‌المللی دادگستری،<sup>1</sup> مهم‌ترین رکن قضایی بین‌المللی سازمان ملل متحد است و نسبت به همه‌ی مسائل حقوق بین‌الملل از جمله مسائل زیست‌محیطی اختیار تام دارد. آساننامه‌ی دیوان، مقررات شکلی محافظه‌کارانه‌ی بسیاری دارد؛ از جمله اختیار دولت‌ها مبنی بر این که موضوع تصمیم دیوان قرار بگیرند یا نه،<sup>3</sup> همچنین دولت‌ها، بر اساس شرایطی، در پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری مختارند.<sup>4</sup>

وانگهی، تنها دولت‌ها می‌توانند دعوی خود را نزد دیوان اقامه کنند و سایر تابعان از چنین موقعیتی محروم اند.

به رغم وجود این گونه قید و بندهای اساسی، اقتدار دیوان بین‌المللی دادگستری در نظام قضایی بین‌المللی، منحصر به فرد است. دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، متعهد شده‌اند تصمیمات این دیوان را بپذیرند.<sup>5</sup> و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند دیوان را در اجرای تصمیماتش یاری رساند.<sup>6</sup>

گام مهم دیگری از لحاظ آیین‌نامه‌ای از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال 1993 میلادی برداشته شد و آن زمانی بود که دیوان یک شعبه‌ی خاص دائمی هفت نفره در مسائل زیست‌محیطی ایجاد کرد تا نقش موثرتری در اختلافات زیست‌محیطی بازی کند، اما از آن جایی که اعضای این شعبه، به داشتن مهارت خاصی در مسائل زیست‌محیطی ملزم نبودند، درباره‌ی این که تاسیس این شعبه، آن گونه که مورد انتظار بود، بتواند در ایجاد رویه‌ی قضایی خلاقانه و هدفمند در مسائل محیط زیست، سهم به‌سزایی ایفا نماید، تردید وجود داشت. این شعبه تا به حال، اختلافی را رسیدگی نکرده است. (Qiong Wu: 2002)

دیوان بین‌المللی دادگستری در تصمیماتش، مجدداً بر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست همچون اصل 21 اعلامیه‌ی استکهلم و اصل 2 اعلامیه‌ی ریو تأکید کرد. با این حال این آرا از سوی جوامع دانشگاهی و جامعه‌ی مدنی، محافظه‌کارانه قلمداد شده است. (Qiong Wu: 2002)

<sup>1</sup> در مفهوم معاصر حقوق بشر و در معنای خاص، دیوان بین‌المللی دادگستری را نمی‌توان، دادگاه حقوق بشر نامید؛ زیرا ماده‌ی 34 آساننامه‌ی آن مقرر می‌دارد که فقط کشورها می‌توانند نزد دیوان طرف دعوا باشند. بنابراین افراد، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و حتی سازمان‌های دولتی نمی‌توانند طرف دعوی توافقی مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری باشند. به علاوه در یک تفسیر مضیق، اکثریت قریب به اتفاق آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در مورد حقوق بشر نبوده است. گرچه در میان حقوقدانان، گرایشی نسبت به توسعه‌ی صلاحیت این دیوان هم چنان وجود دارد.

<sup>2</sup> ر.ک: بند 1 ماده‌ی 36 آساننامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری.

<sup>3</sup> ر.ک: بندهای 2-5 ماده‌ی 36 آساننامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری.

<sup>4</sup> برای نمونه: از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره‌ی مشروعیت قوانین و مقررات کانادا درباره‌ی انجام دادن اقداماتی در دریای آزاد علیه کشتی‌های خارجی برای صید بیش از حد از ماهیان مهاجر بین دریای آزاد و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی کشور کانادا سؤال شد: دیوان به دلیل این که کانادا نسبت به صلاحیت دیوان، حق شرط اعمال کرده بود؛ اختلاف را نپذیرفت. کانادا در این اقدام، هر گونه اختلاف را جمع به اقداماتی که از سوی کانادا درباره‌ی حفظ و مدیریت نسبت به کشتی‌های ماهیگیری در منطقه‌ی قانونی انجام می‌شود و اعمال این گونه اقدامات را از صلاحیت دیوان استثنا کرده بود؛ بنابر این دیوان در این اختلاف، نتیجه گرفت که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد.

<sup>5</sup> ر.ک: بند 1 ماده‌ی 94 منشور ملل متحد.

<sup>6</sup> به موجب بند 2 ماده‌ی 94 منشور ملل متحد «چنان چه یکی از طرفین اختلاف از اجرای تعهداتی تخلف کند که بر حسب رای دیوان بر عهده‌اش گذاشته شده است، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای امنیت ممکن است عنداللزوم توصیه‌هایی کرده یا برای اجرای رای دیوان، اقداماتی را اتخاذ کند».

دیوان تفسیرهای حقوقی تدریجی را که ممکن بود به پیشرفت های مهمی در پیکره ی حقوق بین الملل محیط زیست و قواعد مربوط به موضوعات حساس زیست محیطی بینجامد، نپذیرفت.<sup>۱</sup> دیوان بین المللی دادگستری همچنین به سبب توجه اندکش به تصمیم گیری، مورد انتقاد قرار گرفته است. چندین دعوی جالب توجه نیز بنا به دلایل شکلی مورد پذیرش قرار نگرفت. در این دعاوی، نظر مخالف بر این بود که اکثر قضات، در روش حقوقی خود تجزیه گرا و عینیت گرا بوده اند؛ بنابراین، به عقیده ی آن ها دیوان مکلف است برای مشارکت در اصول بنیادین مربوط به مجموعه ی قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، شیوه ی انعطاف پذیر تری را در پیش گیرد.

از این رو دولت ها می توانند اساسنامه ی دیوان بین المللی دادگستری را چنان دگرگون کنند تا با نیازهای خاص اختلافات زیست محیطی سازگاری پیدا کنند. به ویژه دولت ها می توانند به عامل غیر دولتی خاص اجازه دهند تا در این فرآیندها مشارکت کنند؛ خواه به عنوان طرف های همکار دادگاه<sup>۲</sup> یا طرف های کامل (که بیشتر محل مناقشه است). آنها همچنین می توانند به اشخاص دیگری جز ارکان برگزیده ی سازمان ملل متحد، مانند دولت ها، آژانس های تخصصی که سازمان ملل متحد وابسته نیستند (مانند UNEP یا WTO) یا حتی دیگر دادگاه های بین المللی و پاره ای از سازمان های غیر دولتی، از دیوان بین المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی یا تصمیمات اولیه کنند.<sup>۳</sup> همچنین با شناسایی و معرفی دیوان بین المللی دادگستری به عنوان یک نهاد تجدید نظر در آرای زیست محیطی صادر شده از دیگر مراجع بین المللی، عملاً می تواند حمایت خویش را از محیط زیست افزایش دهد. دیوان در ایفای این نقش می تواند در هماهنگ سازی سیاست های زیست محیطی موجود در رویه ی قضایی بین المللی مشارکت کند. به علاوه می تواند به نگرانی های موجود درباره ی نقض قوانین در نتیجه ی رویه های قضایی متناقض نهادهای مختلف پاسخ دهد. دیوان برای انجام این وظیفه، مکانیسم های مختلفی را می تواند به کار گیرد:

الف: منشور ملل متحد به گونه ای تفسیر شود که این منشور از قبل اختیار تجدیدنظر را به دیوان اعطا کرده باشد.

ب: منشور ملل متحد و اساسنامه ی دیوان را برای کسب این اختیار (تجدید نظر) اصلاح کند.

ج: انعقاد موافقت نامه های جداگانه ای بین دیوان و سایر مراجع بین المللی به گونه ای که دیوان بین المللی دادگستری در سلسله مراتب آن در راس هرم قرار گیرد.

<sup>۱</sup> همچون قابلیت اعمال موافقت نامه های چند جانبه ی زیست محیطی در زمان جنگ.

<sup>۲</sup> Amici Curiae.

<sup>۳</sup> برای نمونه می توان به سخنان ژاک شیراک، رئیس جمهور وقت فرانسه در فوریه ی ۲۰۰۰ در دیوان بین المللی دادگستری که خواهان واگذاری «نقش نظارتی و دادن مشاوره به سازمان های بین المللی» به دیوان بین المللی شد را اشاره کرد: (هنگامی که حقوق بین المللی در مورد معیارهای زیست محیطی، تجاری و کار دچار تعارض می شود، نقطه ای برای آشتی دادن آن ها نیاز است. چرا نتوان از دیوان شما «دیوان بین المللی دادگستری» در چنین مواردی در خواست نظر مشورتی کرد؟). وی هم چنین پیشنهاد کرد که «معاهدات در بردارنده ی سازوکارهای حل و فصل اختلافات، باید رابطه ی دقیق و روشنی با دیوان بین المللی دادگستری برقرار کنند... هرگاه این پیمان ها صلاحیت تازه ای را ایجاد می کنند، آیا بهتر نیست که بتوان بر اساس آن صلاحیت مسائل و اختلافات را به این دیوان برای تصمیمات ابتدایی یا راهنمایی در مورد مسائل حکمی دارای سود عمومی ارجاع داد؟»

(Report of the ICJ, 1 August 1999-31 July 2000, para, 320, supra note....)

دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها<sup>1</sup>

کنوانسیون 1982 میلادی حقوق دریا<sup>2</sup> «دادگاه بین‌المللی حقوق دریا» را تاسیس کرد. این دادگاه در سال 1996 میلادی در هامبورگ آغاز به کار کرد. این دادگاه یک نهاد قضایی مستقل است که ارتباط بسیار نزدیکی با سازمان ملل متحد دارد. بر اساس ماده 20 اساسنامه‌ی دادگاه، اعضای کنوانسیون حقوق دریا می‌توانند اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون مزبور را به دادگاه ارجاع دهند. همچنین این دادگاه می‌تواند به مسائل زیست محیطی خارج از قلمروی کنوانسیون بپردازد؛ چرا که این دادگاه مجاز است دعاوی ناشی از سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با آبهای بین‌المللی را داوری و رسیدگی کند.

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، از اندک نهادهای قضایی بین‌المللی است که بر دعاوی ناشی از مقررات معاهده‌ی موسسش، صلاحیت اجباری دارد. هر چند این دادگاه تنها مکانیسم حل و فصل اختلافات برای رجوع دولت‌های عضو کنوانسیون نیست،<sup>4</sup> برای حل و فصل اختلافات خاصی که ناشی از مواد کنوانسیون باشد، صلاحیت اجباری دارد. همچنین برای حل و فصل دعاوی که به هیچ یک از مکانیسم‌های حل و فصل اختلاف ارجاع نشده باشند نیز صلاحیت اجباری دارد.<sup>5</sup>

به رغم تعدد مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات در کنوانسیون حقوق دریاها، انتظار می‌رود دعاوی بسیاری به دادگاه بین‌المللی حقوق دریا ارجاع شود. روند دادرسی دادگاه نسبتاً سریع و انعطاف پذیر است. خبرگی و مهارت قضات این دادگاه، از مهم‌ترین امتیازات آن است. شعبه‌ی حل و فصل اختلافات بستر دریا نیز که یکی از شعب دادگاه است، صلاحیت استماع دعاوی اقامه شده از سوی شخصیت‌هایی را که دولت نباشند را داراست. این شخصیت‌ها شامل اشخاص حقیقی، طرف معاهده و متعاهدینی می‌شود که در آینده با مقام بین‌المللی اعماق وارد معاهده می‌شوند. به نظر می‌رسد که این مقرره، اقامه‌ی دعوا از سوی دیگر نهادهای غیر دولتی را هم شامل شود، اما مفهوم و معنای دقیق و قطعی این مقرره به تفسیر دادگاه منوط است.

در نتیجه این آیین دادرسی، دادگاه را قادر می‌سازد تا به طور موثر پاسخگوی دعاوی زیست محیطی باشد و در حقیقت این مرجع در زمینه‌ی محیط زیست، موضع حمایت‌گرایانه دارد.

سازمان تجارت جهانی

<sup>1</sup> ITLOS.

<sup>2</sup> LOS Convention.

<sup>3</sup> کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا در 10 دسامبر 1982 به امضا رسید و در 16 نوامبر 1994 میلادی لازم‌الاجرا گردید. (1833 U.N.T.S.397)

<sup>4</sup> ماده 287 کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا (دعاوی را می‌توان به دیوان بین‌المللی دادگستری یا سایر مراجع داوری ارجاع داد).

<sup>5</sup> ماده 292 کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا، پاراگراف 2 ماده 288 و ماده 21 اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی حقوق دریا

<sup>6</sup> طبق ماده‌ی اساسنامه‌ی دادگاه، قضات باید در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل دریاها اهل نظر و فن باشند.

یکی از مهم ترین وظایف سازمان جهانی تجارت<sup>1</sup>، حل و فصل اختلافات است. این روند با مشاوره، شروع و با آیین های سازش یا میانجیگری «گات» ادامه یافت. در واقع از جمله منابع سازمان تجارت جهانی، موافقت نامه ی گات (1994) است. گات عموماً ضوابط حفاظت از محیط زیست را به عنوان محدودیت های نامطلوب تجاری در نظر می گیرد. این توافقنامه عوارض گمرکی و سایر تعرفه ها را بر یک مبنای غیر تبعیض آمیز می پذیرد؛ لیکن در ماده ی 3، الزام می نماید که همه ی اقلام وارداتی باید همانند کالاهای تولید داخل در نظر گرفته شوند و همه ی ضوابط و الزامات اثرگذار بر فروش داخلی چنین محصولاتی نیز مدنظر قرار گیرند. از این رو براساس گات یک ضابطه در مورد ایمنی یا کیفیت یک محصول، مانند استانداردهای انتشار آلاینده ها، در مورد محصولات داخلی یا وارداتی قابل اعمال می باشد. صادرات حجیم محصولاتی که به دلیل هزینه ی پایین تولید و به شدت آلاینده بودن مراحل تولیدشان ارزان قیمت هستند، از نظر گات دامپینگ محسوب نمی شوند و از این رو نمی توان آن ها را با تعرفه های ضد بازاریکنی و یا محدودیت واردات تحت تأثیر قرار داد. از این گذشته، تعرفه های محیط زیستی برای کالاهای ترانزیتی ممکن است با ماده ی (3) 5 گات در تضاد باشند که آزادی ترانزیت را تضمین می نماید.

ماده ی 11 گات، ایجاد محدودیت کمی بر واردات و صادرات را ممنوع می نماید. این ماده مقرر می دارد؛ هیچ ممنوعیت یا محدودیتی برای هیچ یک از کشورهای عضو بر روی واردات هیچ محصولی از قلمروی کشورهای دیگر عضو یا بر صادرات هیچ محصولی که به مقصد یکی از کشورهای عضو در حال حرکت است، اعمال نخواهد شد، مگر آنکه واردات کالای مشابه از کشورهای ثالث یا صادرات محصولات به همه ی کشورهای ثالث به شکل مشابه، ممنوع یا محدود گردد.

گات با پذیرش معاهده ی مراکش و ایجاد سازمان تجارت جهانی در آوریل 1994 تغییرات بنیادینی نمود. در حقیقت منویات زیست محیطی در مقدمه ظاهر می شوند، جایی که طرفین روابطشان را طوری تعریف نموده اند که بهره برداری بهینه ای از منابع جهانی در هماهنگی با اهداف توسعه ی پایدار حاصل گردد. ماده ی 14 ضمیمه، با عنوان معاهده ی عمومی تجارت، احتمال استثنائات عمومی با اهداف خاص زیست محیطی مقرر می دارد: هیچ چیزی در این توافقنامه را نمی توان چنان تفسیر نمود که مانع از پذیرش یا اجرای اقدامات لازم به منظور حفاظت از انسان، حیوان یا گیاهان گردد. به طور مشابه ضمیمه ج 1 تحت عنوان توافقنامه ی جنبه های تجاری حقوق دارایی های معنوی (تریپس) بیان می نماید که اعضا می توانند اقدامات لازم برای حفاظت از سلامت انسان و مواد غذایی، و ارتقای منافع عمومی در بخش های دارای اهمیت حیاتی در توسعه ی اجتماعی اقتصادی و تکنیکی را به عمل آورند، مشروط بر آنکه چنین اقداماتی مطابق با مفاد معاهده باشد.

شایان ذکر است که این گات در پی رفع کلیه ی موانع تجاری است و اصل اساسی در آن آزاد سازی تجارت است و هر یک از اعضا می تواند از هیات دریافت کننده ی لویج تمام دولت های ذی نفع که آن ها را گزارش می کند، تقاضای رسیدگی به اختلاف را کند. نهاد حل و فصل اختلاف<sup>2</sup>، گزارش هیات مزبور را می پذیرد، مگر این که مشترکاً با پذیرش آن مخالفت شود. همچنین هر یک از طرفین اختلاف ملزم اند طی یک «زمان متعارف و معقول» حکم هیات مزبور را به اجرا گذارند؛ چنان چه حکم صادره مورد اجرا واقع نشود، طرف متضرر می تواند افزون بر تقاضای جبران خسارت، به عمل متقابل رفتار کند.

<sup>1</sup> WTO.

<sup>2</sup> DSB.



با این حال این سند در بند 20 خود مواردی را به عنوان استثنا ذکر می‌کند.

در این میان یکی از مواردی که در رکن حل اختلاف این سازمان، رسیدگی شده، قضیه ی بنزین فرمول بندی شده<sup>1</sup> است.

در پرونده ی بنزین فرمول بندی شده، کشورهای مدعی بر علیه ایالات متحده آمریکا ادعا نمودند که یک ضابطه می‌تواند صرفاً "مرتبط" یا "با هدف اولیه" حفاظت باشد، چنانچه که آن ضابطه در وهله ی اول هدف دستیابی به حفاظت و اثر مثبت حراستی داشته باشد. در طی پروسه ی رسیدگی دادگاه اولیه هیچ رابطه ی مستقیمی میان بنزین وارداتی که از نظر شیمیایی مشابه بنزین داخلی بود و هدف ایالات متحده در بالا بردن کیفیت هوای داخلی نیافت و در نتیجه رأی داد آن ضابطه در وهله اول به منظور حفاظت از منابع طبیعی تدوین نشده بود. دادگاه استیناف با این رأی مخالفت نمود چرا که به این نتیجه رسید این مسئله هدف کلی آن ضابطه بوده که در حال آزمایش قرار داشته است.

خاطر نشان است که دعاوی و اختلافات محیط زیستی نیز که در ارکان حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت رسیدگی شده‌اند، همگی تکیه بر ماده ی 20 توافقنامه داشته و سعی در تفسیر آن نموده‌اند.

در مجموع، رویه ی قضایی ضوابط متعددی را برای اقدامات زیست محیطی مربوطه ایجاد نموده است. اولاً، کشوری که به دنبال توجیه ایجاد محدودیتی تجاری تحت ماده (ب) 20 (حفاظت از انسان، حیوان، یا گیاه) می‌باشد؛ طی یک روند سه مرحله‌ای مورد آزمایش قرار می‌گیرد:

1. آیا ماهیت سیاست ضابطه مورد بحث محافظت از انسان، حیوان، یا گیاه است؛
2. آیا ضابطه‌ای که از استثنای قانونی برای آن استفاده می‌گردد؛ برای حفاظت ضروری است؛
3. آیا ضابطه ی اعمال شده از تبعیض مستبدانه یا ناعادلانه و یا محدودیت پنهان در تجارت بین الملل پرهیز می‌نماید.

در راستای ماده (ز) 20 مشروعیت ضوابط زیست محیطی که تجارت را محدود می‌کند از طریق سؤالات زیر آزموده می‌شود:

- (1) آیا این قانون یا سیاست به حفاظت از منابع تجدیدناپذیر مربوط می‌شود؛
- (2) آیا این ضوابط در تقارن با محدودیت‌های تولید و مصرف داخلی تعیین شده‌اند؛
- (3) آیا این ضوابط در تخطی از ماده ی 20 تبعیضی مستبدانه، ناعادلانه و یا محدودیتی پنهان بر تجارت بین الملل ایجاد می‌نمایند؟

درحالی که رویه ی قضایی به طور تدریجی در زمینه ی حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار می‌گیرد، سازمان تجارت جهانی به دلیل تأکیدش بر تجارت و فقدان خبرگی و درک مسائل زیست محیطی، مورد انتقاد

<sup>1</sup> Standards for reformulated and conventional Gasoline.

قرار گرفته است. توصیه‌ی اولیه کمیته‌ی تجارت و محیط زیست، گسترش دامنه‌ی اختیاراتش بوده است، امری که در سال 1996 در نشست وزیران در سنگاپور به تصویب رسید. مضافاً این که سازمان تجارت جهانی شفافیتش را افزایش داده است و موافقت کرده اسناد بیشتری در اختیار عموم بگذارد و وبسایتی نیز راه‌اندازی نماید تا دسترسی آسان‌تر فراهم گردد. دبیرخانه‌ی آن سمپوزیم‌هایی برای سازمان‌های غیردولتی برگزار نموده و عنوان ناظر را در کنفرانس وزیران از سال 1996 تا 1998 دارا بوده است. نهایتاً، نشست سال 2002 وزیران در دوحه بیانیه‌ای را تصویب نمود که به موجب آن کمیته‌ای به منظور پیگیری بحث توسعه پایدار تشکیل گردید تا اهداف کمیته سازمان تجارت جهانی در تجارت و محیط زیست را تدوین نماید و در کاهش یا حذف تعرفه‌ها و موانع تجاری برای کالاها و خدمات زیست محیطی بکوشد.

و در حقیقت تجارت و محیط زیست شروع جداگانه و اهداف متفاوتی داشته‌اند، لیکن به طور روزافزون در هم ادغام شدند. معتقدان به تجارت آزاد بیم آن دارند ضوابط محیط زیستی منجر به بسته شدن بازارها گردد؛ و از آن طرف فعالان محیط زیست بیم آن دارند تجارت آزاد منجر به از بین رفتن یا محدودیت حفاظت از محیط زیست شود. اقدامات بین المللی و یک جانبه‌ای به منظور از بین بردن اختلافات انجام شده است. واکنش‌های چند جانبه در بخش‌های مارالذکر، مشروحاً به آن پرداخته شد.

البته خاطر نشان می‌شود که معاهدات بین المللی محیط زیست لاقلاً از کنوانسیون 1940 حفاظت طبیعت و حیات وحش در نیمکره‌ی غربی به بعد اقدام به ایجاد محدودیت‌های کمی نموده‌اند. توافقنامه‌های حفاظت از حیات وحش نوعاً از ایجاد محدودیت در صادرات و واردات میان طرفین بر مبنای یک سیستم صدور مجوز استفاده می‌نمایند. کنوانسیون تجارت بین المللی گونه‌های در معرض خطر و کنوانسیون بازل در کنترل انتقال فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آن‌ها مستقیماً معضلات تجاری را خطاب قرار می‌دهد.

نفتا

همانند گات و سازمان تجارت جهانی، نفتا نیز به دنبال حذف موانع تجاری و پرهیز از محدودیت‌های پنهان در تجارت می‌باشد. فصل 7 استانداردهای جانوری و گیاهی (اس‌پی‌اس) و فصل 9 که به سایر موانع تکنیکی، شامل استانداردهای زیست محیطی محصولات، مربوط می‌شود؛ تلاش دارند محیط زیست و ملاحظات تجارت آزاد را متعادل گردانند. از یک سو، هر کشور حق دارد استانداردهای محیط زیستی خود را همگام با سطوح محافظتی که مناسب می‌داند، تنظیم نماید. از سوی دیگر نیز، ضوابط باید بر مبنای اصول علمی بنا شوند. ماده‌ی (4) 715 نفتا، رویکردی احتیاطی در خود دارد که به موجب آن تصویب ضابطه‌های موقتی را در زمان عدم وجود شواهد علمی کافی مجاز می‌نماید. توافقنامه‌ی موانع تکنیکی تجارت هر کشور را مجاز می‌نماید بر مبنای یک ارزیابی ریسک سطح حفاظت زیست محیطی خود را تعیین نمایند.

توافقنامه‌ی اس‌پی‌اس<sup>1</sup> همچنین مقرر می‌دارد؛ ضوابط ملی که با استانداردهای بین المللی مطابقت دارند، به طور پیش فرض معتبر هستند. علاوه بر این که ضوابط سخت گیرانه‌تری نیز می‌توانند تصویب گردند. ماده‌ی (5) 712 نفتا مقرر نموده که استانداردهای اس‌پی‌اس باید برای حفاظت از انسان، حیوان و گیاه ضروری باشند و صرفاً تا حد ضرورت باید برای دستیابی به سطح انتخابی حفاظت، به کار برده شوند.

<sup>1</sup> SPS.

به دلیل نگرانی‌هایی درباره ی فقدان ویژگی در نفتا، یک توافق دو طرفه محیط زیستی در سپتامبر 1993 بین سه کشور به امضا رسید. این توافق معضلات زیست محیطی را با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهد. بسیار محتمل است که این توافق بدون محافظت‌هایش به تصویب نرسیده باشد. توافق مذکور کمیسیون سه جانبه برای همکاری‌های زیست محیطی ایجاد می‌نماید که هدفش: (1) تسهیل همکاری میان کشورهای نفتا در مسائل زیست محیطی؛ (2) ایفای نقش در تشکیل نشست‌های در سطح وزیران؛ (3) ایجاد دبیرخانه مستقل برای گزارش مداوم در مسائل مهم زیست محیطی؛ (4) حصول اطمینان از در اولویت بودن مسائل زیست محیطی در هر سه کشور؛ (5) همکاری با مقامات رسمی تجاری در هر سه کشور در مسائل مربوط به محیط زیست؛ و (6) حصول اطمینان از فراهم بودن فرصت مشارکت عمومی در توسعه و اجرای قوانین محیط زیستی در هر سه کشور نفتا.

توافقنامه، کشورهای نفتا را موظف می‌نماید نسبت به تهیه ی گزارشات دوره‌ای از وضعیت محیط زیست اقدام نمایند. هر کشور عضو باید به طریق مناسب اثرات زیست محیطی کشور خود را ارزیابی نماید و توقف صادرات حشره‌کش‌ها و مواد سمی را به سایر کشورهای نفتا مورد امکان سنجی قرار دهد. علاوه بر آن، کشورهای نفتا تضمین می‌دهند دسترسی مردمشان به دادگاه‌های مربوط به صدمات محیط زیست را فراهم نمایند. آن‌ها همچنین در محدودسازی تجارت مواد سمی که در کشورشان ممنوع شده، خواهند کوشید.

کمیسیون همکاری‌های زیست محیطی نفتا برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست تشکیل شده است: از جمله: لایحه ی محافظت از پرندگان آمریکای شمالی (یک ائتلاف سه ملیتی با بیش از 250 نهاد دولتی و غیردولتی)؛ شبکه مناطق حفاظت شده دریایی آمریکای شمالی به منظور تقویت محافظت زیست چندگونی دریایی در زیستگاه‌های بحرانی در آمریکای شمالی توسط ایجاد ارتباطات و تبادل اطلاعات؛ برنامه ی جهانی اقدام برای محافظت از محیط زیست دریا در برابر فعالیت‌های زمینی در آمریکای شمالی و پروژه ی ثبت آزادسازی و انتقال آلاینده‌ها در آمریکای شمالی. مورد اخیرالذکر حصول اطمینان از دسترسی شهروندان به اطلاعات دقیق درباره ی آزادسازی سموم شیمیایی از تأسیسات شهری و سایر برنامه‌ها از جمله برنامه کیفیت هوا؛ برنامه ی مدیریت مواد شیمیایی؛ و محیط زیست و سلامت کودکان را دنبال می‌کند.

در باب سرمایه‌گذاری، ماده ی (1) 1114 نفتا مقرر داشته است: "هیچ چیز در این فصل را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر نمود که یکی از اعضا را از تصویب، ابقا یا اجرای ضابطه‌ای که اطمینان می‌دهد یک فعالیت سرمایه‌گذاری در تطابق با ملاحظات زیست محیطی انجام می‌پذیرد، بازدارد". پاراگراف دوم همان ماده، نامناسب بودن تشویق به سرمایه‌گذاری از طریق زیر پا گذاشتن ضوابط داخلی ایمنی محیط زیست را اعلام نموده است. در نتیجه این که یک عضو نباید با چشم پوشی یا قائل شدن تخفیف در ضوابط محیط زیستی‌اش یک سرمایه‌گذار را تشویق به سرمایه‌گذاری در قلمرواش نماید". به موازات آن، فصل 11 به دنبال تضمین سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌باشد.

دیوان بین‌المللی کیفری<sup>1</sup>

<sup>1</sup> ICC.

اساسنامه ی دیوان بین المللی کیفری در 17 ژولای 1998 میلادی در رم به امضا رسید و در اول ژولای 2002 میلادی لازم الاجرا شد. براساس ماده ی 5 اساسنامه ی دیوان، دیوان صلاحیت رسیدگی به مهم ترین جنایات بین المللی را دارد که این جنایات عبارتند از: ژنو ساید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز.

خاطر نشان است که اساسنامه ی دیوان حمایت خاصی از محیط زیست به عمل آورده است. طبق ماده ی 8 اساسنامه، آغاز عمدی «حمله ای با علم به این که چنین حمله ای تلفات جانی یا آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیر نظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست را در پی خواهد داشت و آشکارا نسبت به مجموع فایده ی نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است»، جنایت جنگی معرفی شده است که البته این مقرره بسیار محدود است. افزون بر این، دیوان بین المللی کیفری تنها بر اشخاص صلاحیت دارد، نه دولت ها و این خود، میزان حمایت های دیوان از محیط زیست را محدود می کند و البته جایی بس تامل دارد که دیوان تا کنون در خصوص مسائل زیست محیطی مبادرت به رسیدگی و صدور رای ننموده است.

دیوان بین المللی کیفری دارای رویکرد و مشخصه ای منحصر به فرد است که پیگرد افراد بر پایه ی حقوق بین المللی را جایز می داند؛ بر خلاف دیوان بین المللی دادگستری که تنها صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین الدولی را برای خود به رسمیت می شناسد. البته شاهد این هستیم که دیگر نهادها هم چون دیوان اروپایی حقوق بشر و داوری سرمایه گذاری بر اساس فصل 11 موافقت نامه ی تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) به طرف های خصوصی از جمله افراد، این اجازه را می دهند تا عملکرد و رفتار دولت ها را بر اساس حقوق بین المللی به چالش بکشانند.

از دیگر خصوصیات دادگاه بین المللی کیفری، استماع دعاوی بر ضد افراد می باشد. این ویژگی دیوان را برای حقوق بین المللی محیط زیست نیز کارآمد و سودمند می سازد. و این در حالی است که این فرضیه به اذهان متصور خواهد شد که آیا پیگرد مستقیم آلوده کننده های شخصی در یک دیوان بین المللی نسبت به دادخواهی بر ضد دولت متبوع آن ها، با توجه به محدودیت های سیاسی و دیپلماتیک موجود، آسانتر نخواهد بود؟ بی گمان این گونه است، ولی تنگناهای حقوق بین المللی کیفری را باید همواره مد نظر قرار داد.

صلاحیت دیوان بین المللی کیفری در چارچوب « شدیدترین جرایم مورد اهتمام جامعه ی جهانی به طور کل» است. این جرایم شدید در یکی از گروه های چهارگانه ی ذیل جای دارند: الف: نسل کشی؛ ب: جنایات بر ضد بشریت؛ پ: جرایم جنگی و ت: تجاوز. و این به گونه ای است که بر اساس تعریف جرایم جنگی می توان مقوله ی محیط زیست را نشانه رفت.<sup>3</sup> با وجود این، پاره ای استدلال کرده اند که صلاحیت دیوان بین

<sup>1</sup> این مقرر، تنها در صورتی «خسارات شدید و دراز مدت به محیط زیست» را جرم انگاری می کند که این خسارات به طور آشکار نسبت به مجموع فایده ی نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه باشد. «خسارات شدید و دراز مدت» فی نفسه از سوی اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی جرم انگاری نشده و جنایت جنگی به شمار نرفته است، مگر این که نسبت به فایده ی نظامی، نامتناسب باشد و طرفی که حمله را آغاز کرده است، آن گونه که بخواهد و انتظار هم برود.

<sup>2</sup> See <http://www.greenchannel.com/iceac/Ingles/caso-sonora-ingles.html>.

<sup>3</sup> ماده ی (4)(ب)(2) 8 اساسنامه ی دیوان بین المللی کیفری مقرر می دارد: «انجام عمدی حمله ای با علم به این که چنین حمله ای باعث... آسیب گسترده ی دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه ی فایده ی نظامی و ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است». ضمناً برای دست یابی به تعریف مشابهی در مورد جرایم جنگی می توان

المللی کیفری باید گسترش یابد تا «جرائم زیست محیطی» را نیز در بر گیرد.<sup>1</sup> در واقع اگر افراد آلوده کننده را نه تنها در برابر خسارات مدنی بلکه در برابر مجازات کیفری نیز مسئولیت بر دمه ی این گونه افراد را تعریف و شناسایی کنیم؛ می توانیم کارآیی حقوق بین الملل محیط زیست را بهبود و ترقی ببخشیم.

اگر دولت ها راجع به حمایت از محیط زیست به عنوان مصلحت عمومی<sup>2</sup> نگران هستند، چرا آلودگی هوا را جرمی دارای ضمانت اجرای حبس تعریف و اعلان نکنیم؟ اگر کشورهایی مانند آمریکا رئیس‌ان شرکت های چند ملیتی را برای نقض قواعد ضد تراست زندانی می کنند، چرا نباید آن ها را برای نقض حقوق محیط زیست زندانی کرد؟

با این اوصاف، اعطای صلاحیت به دیوان بین المللی کیفری برای رسیدگی به جرائم زیست محیطی می تواند خطرات خاصی را نیز به بار آورد. (Drumbl, 1998: 122-145)

به نظر نمی رسد که دیوان بین المللی کیفری مهارت خاصی در زمینه ی حقوق بین الملل محیط زیست بالخصوص آلودگی هوا داشته باشد، به علاوه این که تلفیق جرائم زیست محیطی با دیگر جرایمی که رسیدگی به آن ها در صلاحیت دیوان بین المللی کیفری است، ممکن است مبنای وفاق را در گستره ی زیست محیطی دشوارتر سازد. البته راه حل ممکن در این زمینه می تواند گفتگو برای تدوین یک کنوانسیون مستقل اکوساید<sup>3</sup> یا ژنو ساید<sup>4</sup> باشد.

دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>5</sup>

دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>6</sup> که ذیل شورای اروپا در سال 1950 میلادی تاسیس شده، وظیفه ی نظارت بر چگونگی رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی (کنوانسیون رم) از سوی دولت های عضو را بر عهده دارد. این دیوان به منظور حمایت از حقوق بشر، تفسیرهای مترقیانه ای از اسناد حقوقی ارائه داده است و یکی از الگوهای قضایی بسیار موفق منطقه ای به شمار می رود. با این حال، در ایفای نقش زیست محیطی خود با محدودیت هایی روبه رو بوده است؛ چرا که این دیوان به بررسی موارد نقض حقوق بشر، آن گونه که در کنوانسیون رم و پروتکل الحاقی آن مشخص شده، می پردازد. نه کنوانسیون و نه پروتکل الحاقی آن، درباره ی حقوق بشر نسبت به محیط زیست پاک و به ویژه هوای پاک سخنی بیان نداشته

به ماده ی (ز) 20 کد پیش نویس جرائم علیه صلح و امنیت بشر که در سال 1996 از سوی کمیسیون حقوق بین المللی پذیرفته شد رجوع کرد. به طور کلی در این زمینه رجوع شود به: صلح و امنیت بشر که در سال 1996 از سوی کمیسیون حقوق بین المللی پذیرفته شد رجوع کرد. به طور کلی در این زمینه رجوع شود به: Jean, Marie Henckaerts, Aemed Conflict and the Environment, 10 YIEL 1999, 188.<sup>1</sup> برای نمونه می توان مورد ذیل را بیان کرد:

Robert Mc Laughlin, Improving Compliance: Making Non-state International Actors Responsible for Environment Crimes, 11 Colo. J. Intl Envnt. L. & poly 377.

<sup>2</sup> Public Good.

<sup>3</sup> Ecocide.

<sup>4</sup> Geocide.

<sup>5</sup> ECHR.

<sup>6</sup> اگر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صورت قطعی حق بر محیط زیست سالم را تضمین نکرده است، اما دیوان اروپایی حقوق بشر، دولت ها را برای نقض های حقوق بشری ناشی از خسارات زیست محیطی در تعدادی از پرونده ها مسئول شناخته است.

است.<sup>1</sup> در گذشته، این دیوان در تفسیر و ابداع مواد قانونی موجود بسیار انعطاف پذیر بود. این دیوان با اعمال ماده ی 8 (حمایت از زندگی خصوصی و خانوادگی)، خسارات زیادی را برای اشخاص متضرر از صدمات زیست محیطی یا آلودگی صوتی جبران کرده است.<sup>2</sup> همچنین دیوان در قضیه ای دیگر تحت عنوان (Kyrtatos) بیان داشته است که به دلیل محدودیت های موجود در کنوانسیون و پروتکل های الحاقی آن، به حمایت های جامع و فراگیر از محیط زیست قادر نیست.<sup>3</sup>

البته ما شاهد تجلی یک حق جمعی یا فردی جدید در حوزه ی محیط زیست نیستیم ولی به خاطر رشد آگاهی و افزایش نگرانی در زمینه ی مسائل زیست محیطی، روندی پویا و غیر ایستا از تکامل تدریجی محتوای برخی حقوق تضمین شده در کنوانسیون را مشاهده می کنیم که به موجب آن کنوانسیون اروپایی به نحوی تفسیر و اعمال می شود که تا با شرایط امروزی سازگار شود. (Garcia, 2005:67-69)

با توجه به عدم شناسایی حق بر محیط زیست و متعاقب آن حق بر هوای پاک به عنوان یک حق مستقل در نظام اروپایی حقوق بشر، کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر از یک طرف و کمیته ی اروپایی حقوق اجتماعی از طرف دیگر، فقط می تواند با تفسیر زیست محیطی از حقوق مندرج در عهدنامه ی اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی اروپا، حق بر هوای پاک را شناسایی نماید.

#### کمیته ی اروپایی حقوق اجتماعی

در پرونده ی مارانگوپولس علیه یونان، که در خصوص صدور مجوز فعالیت از طرف دولت یونان برای معدن های زغال سنگ لیکنایت و نیروگاه های برقی که سوختشان از این نوع ذغال سنگ بود؛ مبادرت به صدور رای نمود و مقرر نمود که دولت یونان بدون توجه کافی به پیامدهای زیست محیطی این فعالیت ها و بدون اتخاذ اقدام های لازم برای کاهش این پیامدها، وظیفه و تعهد خود را به حفاظت از سلامت عمومی در مقابل آلودگی هوا را نقض کرده است (دادن مجوز فعالیت بدون در نظر گرفتن مخاطرات زیست محیطی) و النهایه دولت یونان را به واسطه ی کوتاهی در مبارزه با این آلودگی هوایی که حق بر سلامت را نقض کرده است؛ محکوم نمود. (Cory, 2016)

<sup>1</sup> پیش نویس پروتکل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حقوقی را برای بشر نسبت به محیط زیست قائل شده است؛ تا کنون تصویب نشده است.

<sup>2</sup> مانند ر. ک: قضیه ی مشهور LOPEZ Ostra در سال 1994.

<sup>3</sup> همان گونه که دیوان در قضیه (Kyrtatos v. Greece) در 22 می 2003 میلادی در استراسبورگ بیان داشت، «درباره ی نخستین بخش دادخواست، دیوان اظهار داشت که براساس رویه ی ثابت خود، آلودگی شدید محیط زیست ممکن است بر سلامت افراد تأثیر بگذارد و آن ها را از انتفاع از مسکن خود محروم سازد؛ به گونه ای که زندگی خصوصی و خانوادگی آن ها را بدون این که به سلامت آن ها صدمه ی شدید وارد سازد، تحت تأثیر قرار دهد. با این حال مهم ترین چیزی که باید در تعیین این امر که آیا با توجه به اوضاع یک دعوا، آلودگی محیط زیست به طرز غیر مطلوبی بر حقوق مورد حمایت مندرج در بند 1 ماده ی 8 تأثیر گذاشته است، مشخص شود، وجود تأثیر مضر بر زندگی خصوصی فرد و قلمروی خانوادگی است، نه صرفاً تخریب محیط زیست. شایان ذکر است که نه در ماده ی 8 و نه هیچ یک از سایر مواد کنوانسیون به تنهایی و به طور مشخص برای حمایت کلی از محیط زیست تدوین و قانون گذاری نشده اند و این در حالی است که در این زمینه ی به خصوص، دیگر اسناد بین المللی و قوانین داخلی برای رسیدگی مرتبط تر به نظر می رسند.

دیوان دادگستری اروپا<sup>1</sup>

دیوان دادگستری اروپا نقش مهم و به سزایی در جامعه ی اروپا<sup>2</sup> دارد و دادگاه های داخلی و حکومت ها مایل اند به تصمیم های این دیوان احترام بگذارند. هر چند این دیوان، یک دیوان تخصصی زیست محیطی نیست، این اختیار را نیز دارد که به دعاوی مربوط به نقض قوانین زیست محیطی جامعه ی اروپا از سوی دولت های عضو این جامعه رسیدگی کند. دیوان دادگستری اروپا همچنین اختیار صدور احکام مقدماتی درباره ی تفسیر حقوق اولیه یا ثانویه ی اروپایی از جمله حقوق محیط زیست را دارد. ساختار دیوان دادگستری اروپا به گونه ای نیست که شعبه ای خاص برای مسائل زیست محیطی تلقی شود. با این حال، با توجه به پیچیدگی های دعاوی زیست محیطی، دادستان ها عملاً از نوعی تخصص برخوردارند. حق رجوع برای این دیوان برای کمیسیون، ارکان اتحادیه ی اروپا، دولت های عضو و اشخاص حقیقی و حقوقی که مستقیماً تابع قوانین اروپایی اند، وجود دارد. با توجه به این شرایط شکلی، سازمان های غیر دولتی از حق رجوع به دیوان دادگستری اروپا مستثنی شده اند.

دیوان دادگستری اروپا در حفظ محیط زیست طبیعی که شامل هوای پاک نیز می شود نقش به سزایی را داشته است. این دیوان به بیش از 150 دعاوی زیست محیطی، رسیدگی و آرای قضایی منحصر به فردی را اصدار نموده است. شایان ذکر است که این دیوان، نخستین دیوانی است که بسیاری از اصول حقوق بین الملل محیط زیست، از قبیل اصل احتیاط (اقدام پیشگیرانه) را شناسایی و مورد تایید قرار داده است.<sup>3</sup> به رغم این که دادگاه های داخلی در بدو امر، شبهاتی را نسبت به دیوان دادگستری اروپا مطرح کردند، دیوان نه تنها در شفاف ساختن قواعد زیست محیطی موفق بوده است، بلکه در هماهنگی اعمال حقوق محیط زیست جامعه ی اروپا به عنوان یک دیوان چند موضوعه، توانسته است حفظ محیط زیست را در ارتباط با سایر منافع عمومی، از جمله مقوله ی توسعه ی پایدار، مورد ارزیابی قرار داده و تعادل لازم را ایجاد کند.

کمیسیون و دیوان بین آمریکایی حقوق بشر؛

با توجه به این که صلاحیت کمیسیون و دیوان بین آمریکایی حقوق بشر، مشمول و در ذیل ماده ی 11 پروتکل 1988 میلادی سان سالوادور که به شناسایی حق بر محیط زیست پرداخته، قرار نمی گیرد؛ تشریک مساعی نهادهای مزبور تنها با تفسیر زیست محیطی از حقوق مندرج در عهدنامه ی بین آمریکایی حقوق بشر جهت حق بر هوای پاک امکان پذیر هست؛ که در ادامه به نمونه ای از رای کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر اشاره خواهد شد.

پرونده ی مردم شهر لا اروپا علیه پرو:

<sup>1</sup> ECJ.

<sup>2</sup> EU.

<sup>3</sup> برای نمونه آرای ذیل را می توان ذکر کرد:

Case C – 405/92, Arm and Mondilt S.A v. Armement Islais SARL, 1993, E.C.R.I-6133 on the prohibition of drift-nets. Case C-180/96, U.K. v. Commn, 1996, E.C.R. I-3903, rejection of a request for provisional measures of lift the ban on beef after the Kreuzels Jacobs disease.

مردم شهر لا رویا به فعالیت مجتمع ذوب فلزات که با دود سمی انشعاب گرفته از خود باعث آلودگی هوا می شود در کمیسیون شکایت نمودند و بر این اعتقاد بودند که عدم قانون گذاری مناسب و عدم نظارت دولت پرو بر این مجتمع، سبب نقض حقوق مندرج در عهدنامه ی بین آمریکایی شامل حق های حیات (ماده ی 4)، تمامیت شخصی (ماده ی 5)، دادرسی منصفانه (ماده ی 8)، زندگی خصوصی (ماده ی 11)، آزادی فکر و بیان (ماده ی 13)، حقوق کودک (ماده ی 19) و حمایت قضایی (ماده ی 25) و همچنین نقض مواد متعدد عهدنامه ی حقوق کودک و پروتکل سان سالوادور شامل حق بر سلامت (ماده ی 10) و حق بر محیط زیست سالم (ماده ی 11) شده است.

کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر پس از طرح شکایت و طی پروسه ی رسیدگی در رای اصداری خود بیان می دارد که شکایت مزبور در چارچوب مواد 4، 5، 8، 13، 19 و 25 عهدنامه ی بین آمریکایی قابل قبول، و در چارچوب ماده ی 11 عهدنامه ی بین آمریکایی غیر قابل قبول می باشد. ضمناً، کمیسیون شکایت در زمینه ی عهدنامه ی حقوق کودک و پروتکل سان سالوادور را بر این مبنا که خارج از صلاحیتش می باشد، را رد کرد. (UNEP, 2016)

نتیجه گیری:

بر اساس معهود آرای زیست محیطی که از سوی محاکم بین المللی صادر شده است، می توان به این نتیجه رسید که چگونگی رسیدگی محاکم موجود به مسائل زیست محیطی به ویژه مقوله ای خاص و ضروری هم چون هوای پاک رضایت بخش و مطلوب نیست. مضافاً این که پیامدهای محافظه کارانه ی این دعاوی مبین این است که محاکم بین المللی موجود نتوانسته اند حتی نسبت به این تعداد اندک دعاوی زیست محیطی که نزد آن ها اقامه شده است، دادرسی مناسبی انجام دهند.

هم چنین دلایل کم بودن دعاوی زیست محیطی، موانع سنتی سیاسی و حقوقی، از قبیل حاکمیت دولت، دکترین صلاحیت رضایی<sup>1</sup> و شرط توسل قبلی به مراجع داخلی است. افزون بر این نقایص مشترک، اختلافات زیست محیطی دست کم دو ویژگی متمایز دارند که اغلب مانع دادرسی آن ها می گردد، اولاً هیچ نظام سازمان یافته ای برای حل و فصل این اختلافات وجود ندارد، ثانیاً نهادهای بین المللی از لحاظ دادرسی با مشکلاتی مواجه اند.

<sup>1</sup> برای این که یک دیوان بین المللی بتواند به یک دعوا رسیدگی کند، کلیه ی دولت های طرف اختلاف باید قبلاً رضایت خود را به صلاحیت دیوان اعلام کرده باشند. رضایت آن ها ممکن است به یک دعوای خاص، گروهی از دعاوی یا همه ی دعاوی باشد که آن دولت طرف آن هاست. این شرط که به عنوان «دکترین صلاحیت رضایی» از آن یاد شده است، ریشه در دکترین حاکمیت دولت دارد. اگر دولتی به قبول صلاحیت دیوان مایل نباشد، دیوان از لحاظ حقوقی، صلاحیت رسیدگی به آن دعوا را ندارد و دولت مزبور به رعایت تصمیم دیوان هیچ الزامی ندارد و از هر اقدام قهری یا اجرائی مصون خواهد بود. دکترین صلاحیت رضایی، از نظر کمی، محدودیت هایی را بر شماری از دعاوی که توسط دادگاه های بین المللی رسیدگی شده است، وارد کرده است، به ویژه در مواردی که دولت آلوده کننده ی محیط زیست به صلاحیت دیوان رضایت نداده است.

<sup>2</sup> شرط رجوع مقدماتی به محاکم داخلی برای جبران خسارت پیش از توسل به مراجع قضایی بین المللی، نقشی دو گانه در دست یابی به مراجع قضایی بین المللی در دعاوی زیست محیطی بین المللی بازی می کند. با این که چنین شرطی در اکثر دادگاه ها مثل دادگاه های حقوق بشری که خود برای دسترسی به محاکم دوستدار محیط زیست مانع ایجاد می کنند، وجود دارد، اما شرط مزبور در مراجعه به نهادهای قضایی که در چارچوب رژیمهایی فعالیت می کنند که بالقوه برای محیط زیست مضر هستند، همچون ایکسید (ICSID) یا محاکم اختصاصی ایجاد شده با معاهدات سرمایه گذاری دو جانبه (BITS)، وجود ندارد.



شیوه‌ی رسیدگی به دعاوی زیست محیطی در سطح بین‌المللی صراحتاً مشخص نشده است. هیچ دیوان بین‌المللی خاصی که برای حل و فصل اختلافات زیست محیطی صلاحیت داشته باشد، وجود ندارد تا طرفین ذی‌نفع بتوانند اختلافات زیست محیطی خود را آن‌جا اقامه کنند و به نظر می‌رسد نظام قضایی بین‌المللی به نظام‌های قضایی ملی مرتبط نشده است. هیچ مکانیسمی برای مراجعه یا پژوهش خواهی از احکام صادره از سوی محاکم داخلی نزد دیوان‌های بین‌المللی وجود ندارد. به علاوه، بسیاری از معاهدات چندجانبه‌ی زیست محیطی، رجوع به محاکم بین‌المللی برای حل اختلافات را پیش‌بینی نکرده است؛ در نتیجه، طرفین اختلاف غالباً به استفاده از آیین‌های بین‌المللی حل و فصل اختلافات تمایلی از خود نشان نمی‌دهند.

برخی مقررات شکلی و رویه‌ای موجود در آیین‌های دادرسی بین‌المللی، موانعی را بر سر راه پذیرش دعاوی و رسیدگی موثر به آن‌ها ایجاد کرده و طرفین ذی‌نفع را از رجوع اختلافات خود ناتوان یا بی‌میل ساخته است؛ چرا که اولاً اشخاص از اقامه‌ی دعوا نزد این دیوان‌ها به کلی ممنوع شده‌اند، مگر در موارد خاصی که این امکان در چارچوب دیوان‌های حقوق بشری وجود دارد. ثانیاً اغلب دعاوی زیست محیطی، پیچیده و گسترده است و روند کند تصمیمات این دادگاه‌ها، مجال پرداختن به اختلافات زیست محیطی را که مستلزم عکس‌العمل‌آنی است، ندارد. بالآخره، فقدان ضمانت اجرا، اثر بخش بودن دیوان‌ها را متاثر ساخته است. هرچند طرفین اختلاف به رعایت تصمیمات دیوان ملزم‌اند؛ با این حال، در صورت عدم اجرا، تنها دیوان بین‌المللی دادگستری، نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت و دیوان دادگستری اروپا مکانیسم‌های ضمانت اجرا دارند.

این خلاءها و ضعف‌ها، بیانگر ناتوانی اغلب نهادهای قضایی موجود برای پوشش دادن مسائل بین‌المللی مهم زیست محیطی است. اغلب این دیوان‌ها به منظور خدمت به یک معاهده‌ی خاص یا سازمانی بین‌المللی تاسیس شده است و از لحاظ صلاحیت موضوعی بسیار محدودند؛ بدین توضیح که این دیوان‌ها ملزم‌اند به مسائل زیست محیطی که تنها با دیگر مسائل حقوق بین‌الملل ارتباط دارد یا در حالی که به دنبال اهداف مختلفی از قبیل ترویج تجارت آزاد یا حمایت از حقوق بشر است، رسیدگی کنند. مع الوصف به سبب این که این نهادها برای رسیدگی به قضایای زیست محیطی طراحی نشده‌اند، عوامل آن‌ها در این زمینه متخصص و اهل فن نیستند. قضات غیرمتخصص بین‌المللی، اغلب به اعمال هنجارهای پیچیده، مبهم و ناقص حقوق بین‌الملل محیط زیست قادر نیستند و این در حالی است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی پروژهِ ی Gabcikovo-Nagymaros اعتراف کرد که اعمال حقوق بین‌الملل محیط زیست چندان ساده نیست. (Eisen, 1999) و قضات دیوان در این قضیه باید قبل از داوری، در جنبه‌های زیست محیطی و علمی اختلاف، آموزش ببینند.

<sup>1</sup>مانند این که در سال 1995 میلادی، دعاوی اقامه شده از سوی اشخاص درباره‌ی آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در پاسیفیک جنوبی، به دلیل فقدان صلاحیت کمیسیون اروپایی حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق بشر و دیوان دادگستری جوامع اروپایی، مورد پذیرش قرار نگرفت.

<sup>2</sup>پیشنهادها «سین دی مورفی» به طور قانع‌کننده‌ای توضیح می‌دهد که دیوان‌های موجود نمی‌توانند مکانیسم‌هایی را برای واکنش سریع ایجاد کنند.

نتیجه این که به نظر می‌رسد دادگاه‌های بین‌المللی در اغلب دعاوی، دیدگاهی «محدود» دارند؛ از این رو، بر حل و فصل اختلافات خاصی بین طرفین متمرکزند و به پیامدهای گسترده‌ی آرای خود در توسعه‌ی حقوق، کمتر توجه دارند و این در حالی است که دانشمندان اظهار داشته‌اند که این رویکرد در بسیاری از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری وجود داشته است.<sup>1</sup>

شایان ذکر است که رشد روز افزون دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی کنونی و افزایش توسل به آرای الزام آور شخص ثالث در حل و فصل اختلافات بین‌المللی، نه باعث توسعه و ترقی قابل ملاحظه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است و نه وضعیت اداره‌ی محیط زیست بین‌المللی را بهبود بخشیده است. جامعه‌ی بین‌المللی برای پیشگیری از زوال بیشتر منابع طبیعی<sup>2</sup> و نیل به عدالت در عرصه‌ی محیط زیست، باید گزینه‌های موجود را برای بهبود سیستم قضایی بین‌المللی مورد بازنگری قرار دهد.

#### منابع:

##### الف) کتاب‌ها

1- الکساندر کیس، دینا شلتون، تحقیق و ترجمه: سید احمد عسگری ارجنکی، راهنمای حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، 1397.

##### ب) مقالات

1- براون ویس، ادیت، ترجمه: نادر ساعد، حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده، در پرتو رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه‌ی سیاست حقوقی، تهران، سال 15، شماره 3، پاییز 1380.

2- ممتاز، جمشید، ترجمه‌ی: محمود صور اسرافیل، توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست، آورده‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری. مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، تهران، دوره 17، شماره 3، پاییز و زمستان، 1378.

3- رمضان‌قوام آبادی، محمد حسین، «نگاهی به مسائل زیست محیطی در رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ»، نامه‌ی مفید، قم انتشارات دانشگاه مفید، شماره 3، 82، اسفند 89.

4- نصر اصفهانی، احمد، لیلا رئیسی، «حق بهره‌مندی از هوای پاک در رویه‌ی مراجع بین‌المللی»، مجله‌ی دو فصلنامه‌ی علمی حقوق تطبیقی، شماره 3، دوم، پاییز و زمستان، 1396.

<sup>1</sup> نهادهای جایگزین حل و فصل اختلاف که اکثر دعاوی زیست محیطی مطرح در سطح بین‌المللی را فضاوت کرده‌اند، چنین رویکردی دارند.

<sup>2</sup> Ressources natural.

5-ویژه، محمد رضا، «حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست»، مجله ی محیط شناسی، تهران، شماره ی 40، زمستان 1385.

#### A. Books

6-ICJ, *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), judgment* , I.C.J.2010.Available at:<http://www.icj-cij.org>.

7-ICJ *Avisory opinion concerning the legality of the threat or use of nuclear weapon 1996* , vol 1.

8-ICJ, *legality of the threat or use of NUCLEAR WEAPONS, Advisory Opinion of 8 july 1996*, available at: <http://www.icj-cij.org>.

9-ICJ, *case concerning the GACIKOVO-NAGYMAROS PROJECT (Hungary v. Slovalia) judgment of 25 september 1997*, available at:<http://www.icj-cij.org>.

10-CONvention concerning the protection of the world culture and Natural Heritage (UNESCO 1972)

11-Rio Declaration on Environment and Development (1992) available on:<http://www.hrea.org>.

12-STOKHOLM CONVENTION ON persistent Organic pollution , preamble parageraf 2 , MAY 22 , 2001 , 40 , I,L , M 32 (pops) [http:// www. Pops. int](http://www.Pops.int)

13-AFRICA CONVENTION ON THE CONSERVATION OF NATURE AND NATVRAL RESOVRCES.

14-Stock holem Declration on the Human Environment of the United Nation Conference on the Human Environment

Principle 3 , U N Doc A/ GONF 151/26 (vol. I) (1992)

15-North American agreement on Invironmental cooperation preamble , sept , 13 , 1993 , 32 I.L. M1480.

16-Yemi, A.G. (2002), *New Trends in African Human Rights Law:Prospects of an African Court of Human Rights*, U, Miami Intl &Comp.L.Rev. 10:159-175.

17-Qiong Wu, Charles, 2002, *A Unified Forum ? The New Arbitration Rules for Environment Disputes under the Permanent Court of Aritration*, Chicago journal of International Law, Spring 2002.

18-Cory S, Annika N.*The Use of Human Right in the Fight against Air Pollution.2015*.Available at:<http://www.jur.lu.se/WEB.nsf/%28MenuItemByDocId%29/ID27D17AE5595F2E5AC1257D6300302FA/SFILE/Cory%20Segal.pdf>. Accessed July 1,2016.

19-CESCR, General comment No.14 (2000), *adopted by Committee on Economic, Social and Cultural Right available at: http://tbinternet.*

Ohchr.org/-layouts/treatybodyexternal/TBsearch.aspx?Lang=en&TreatyID=9&DocTypeID=11

20-Center for International Law, *UNEP Compendium on Human Rights and the Environment*. Available at: <http://www.unep.org/environmentalgovernance/Portals/8/publications/UNEP-compendium-human-rights-2014.pdf>. Accessed July 1, 2016.

21-Eisen, Joel B., 1999, *From Stockholm to Kyoto and Back to the United States: International Environmental Laws Effect on Domestic Law*, *University of Richmond Law Review*, January 1999.

22-Minors oposa v (philipines - oposa Et.v. Fulgenico s factoran Jr et al No 101083) Miniors oposa v.

23-Achpr, *The Social and Economic Right Action Center and the Center for Economic and Social Right v. Nigeria*, *African Commission on Human and peoples Right Comm.* NO.155/96 (2001). Available at: <http://www1.umn.edu/Humanrts/Africa/comcases/155-96.htm>.

24-Qiong Wu, Charles, 2002, A Unified Forum ? The New Arbitration Rules for Environment Disputes under the Permanent Court of Aritration, *Chicago journal of International Law*, Spring 2002.

25-Daniel Garcia San jose, *Environmental protection and the European Convention on Human rights*, Council of Europe publishing, F-67075 Strasbourg Cedex, 2005.

26-Udombana, N .j. (2000), *Toward the African Court on Human and peoples Right: Better Late than Never*, *Yale Human rights and Development Law journal* 3(45).

27-Robert Mc Laughlin, *Improving Compliance: Making Non-state International Actors Responsible for Environment Crimes*, 11 *Colo.J.Intl Envntl.L.&poly* 377.

28-Gabcikovo – Nagymaros project , (Hungly) v. Slovakia 1997 , icj , 7 , 107 (spt , 25) [www.icj.org / docket / files/ 92/ 7383](http://www.icj.org/docket/files/92/7383)

29-*Legality of the Threat or Use of Nuelear Weapons, Advisory Opinion(hereinafter referred to as "Advisory Opinion" , ICJ Rep.1996, reprinted in ILM, 3 (1996), p. 80.*

30-WTO, *United States-Standards for Reformulated and Conventional Gasoline*, available at: [https://www.wto.org/English/tratop\\_e/2-9.pdf](https://www.wto.org/English/tratop_e/2-9.pdf).

31-"WHO Challenges World to Improve Air Quality", online at: <http://www.who.int/phe/health-topics/out-doorair-aqg/en/index.html>.

32-World Charter for Natture (1982). Available on: <http://mtnforum.org/rs/o1/browse.cfm?tp=vd&docid=457>

33-Additional Protocol to the American Convention on Human Rights "Protocal of San Salvador" :available on: <http://www.oas.org/juridico/English/treaties/a-52.htm1>.

34-A/HRC/25/53/Add.1. 5 March 2014, available at:  
<http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSession25/Pages/ListReports.aspx>.

35-A/HRC/EMPRIP/2013/CRP.2, 4 July 2013, available at:  
<http://www.ohchr.org/Documents/Issues/IPeoples/EMRIP/Session6/A.HRC.EMRIP.2013.CRP.2.pdf>.